



امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی تحریم‌های ثانویه با الهام گیتی از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی

سید محمدرضا موسوی فرد¹

چکیده

در راستای مبارزه حقوقی و سیاسی با تحریم‌های ثانویه وزارت خزانه داری آمریکا می‌توان بدو مدعی شد افول هژموری آمریکا و سقوط دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی، نشان‌دهنده تغییرات عمیقی در نظم بین‌المللی است. همین می‌تواند به عنوان ضرورت و اهمیت مطالعه حاضر قلمداد گردد. در این جستار تحقیقاتی با روش توصیفی تحلیلی در عین حال تطبیقی با بهره جستن روکرد اسنادی و کتابخانه‌ای در پی یافتن پاسخی برای این سؤال هستیم براساس آموزه‌های فقهی تترس آلی سپر قراردادن دلار برای فشار بر مخالفان در قالب تحریم‌های اقتصادی موجب افول هژموری آمریکا خواهد شد؟ به نظر می‌رسد در مکن مدت و بلند مدت موجب تضعیف و جایگزینی نظم جدید خواهد شد. می‌توان دریافت مستند سازی اقدامات آمریکا از منظر حقوقی دای بر استفاده ابزاری از دلار در محاکم بین‌المللی می‌تواند در صورت محکومیت بی اعتباری حقوقی را نیز برای آن به دنبال داشته باشد. بی‌گویی چنین سیاستی می‌تواند یکی از وجوه اصلی و جلوه‌های سرکشت خارجی باشد که با تقویت اتحادیه‌هایی همانند بریکس و... بی‌گویی اهداف و روش‌های آنها در روکردهای دولتی چند جانبه می‌تواند در مکن مدت ضمن کاهش فشار تحریم‌های اقتصادی به عنوان به بی اعتباری دلار و به ادبیات دیگر به نظم فرهنگ شکل گرفته دلارزدایی در اقتصاد سرکشت جهانی کمک شایانی توجهی نماید.

واژگان کلیدی: تترس، تحریم‌ها، آمریکا، دلار، اقتصاد، بریکس

1- استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

mousavifard136394@gmail.com

مقدمه

افول هژموری آمریکا در نظام بین‌المللی و سقوط دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی، موضوعاتی هستند که در سال‌های اخیر به شدت مورد بحث قرار گرفته‌اند. این روند به ویژه با ظهور گروه‌های جدید اقتصادی مانند بریکس و تغییرات در سیاست‌های جهانی قابل مشاهده است. این افول به معنای کاهش نفوذ و قدرت این کشور در عرصه‌های مختلف جهانی است. برخی تحلیلی‌گرایان بر این باورند که ایالات متحده دیگر نمی‌تواند به عنوان تنها ابرقدرت جهانی عمل کند و چالش‌هایی از سوی کشورهای دیگر، به ویژه چین، در حال افزایش است. براساس مطالعات نگارنده دلار آمریکا از سال 1944 به عنوان ارز ذخیره جهانی شناخته شده است. اما اکنون با افزایش انتقادات نسبت به سیاست‌های ایالات متحده و تحریم‌های اقتصادی، اعتماد جهانی به دلار در حال کاهش است. عوامل بسیار در این خصوص قابل بحث است، مثل اینکه: اولاً: استفاده از دلار به عنوان ابزاری برای تحریم کشورهای مخالف، باعث کاهش اعتماد بین‌المللی به این ارز شده است. ثانياً: کاهش ذخایر اوراق قرضه خزانه داری آمریکا باعث شده است کشورهای مختلفی مانند چین و روسیه، دارایی‌های خود در اوراق قرضه خزانه داری آمریکا را کاهش داده‌اند که نشان‌دهنده کاهش وابستگی آنها به دلار است. افول هژموری آمریکا و سقوط دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی، نشان‌دهنده تغییرات عمیقی در نظم بین‌المللی است. این روند می‌تواند منجر به ظهور یک نظام چندقطبی جدید شود که در آن قدرت‌ها و ارزهای مختلف نقش بیشتری ایفا کنند. در دوران معاصر آمریکا به طور فزاینده‌ای از دلار به عنوان ابزاری برای فشار سیاسی و تحریم کشورهای مخالف استفاده کرده است. این رویکرد باعث شکل‌گیری یک جنبش جهانی برای کاهش وابستگی به دلار شده و اعتماد به این ارز را تضعیف کرده است. طبیعتاً تحریم‌های اقتصادی که آمریکا علیه کشورهای مختلف اعمال کرده، به ویژه در زمینه‌های سیاسی و نظامی، باعث شده است کشورها به فکر دلارزدایی از معاملات خود برفتند. این تحریم‌ها نه تنها بر کشور هدف تأثیر می‌گذارد، بلکه سایر کشورها را رنج به فکر کاهش وابستگی به دلار می‌اندازد. بالتبع قدرت اقتصادی آمریکا در حال کاهش است و این موضوع بر جایگاه دلار تأثیر می‌گذارد. کسری بودجه و عدم توانایی در ایجاد تعادل مالی درآمدها و هزینه‌ها، موجب نگرانی در مورد آینده دلار شده است. کشورهای مختلف، به ویژه اعضای بریکس، در حال افزایش ذخایر طلا و سایر ارزهای کلیدی هستند تا وابستگی خود را به دلار کاهش دهند. این تغییرات می‌تواند منجر به تغییرات اساسی در نظام مالی جهانی شود.

روش: روش توصیفی تحلیلی در عین حال تطبیقی با بهره‌جستن رویکرد اسنادی و کتابخانه‌ای است.

سؤال پژوهشی: براساس آموزه‌های فقهی تترس آیا سپر قراردادن دلار برای فشار بر مخالفان در قالب تحریم‌های اقتصادی موجب افول هژمونی آمریکا خواهد شد؟

مفروض: به نظر می‌رسد در میان مدت و بلند مدت موجب تضعیف و جایگزینی نظم جدید خواهد شد.

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی
تحریم های ثانویه با الهام گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

1. ادبیات پژوهشی

ردیف	عنوان پیشینه	نویسنده و مشخصات نشر	مفاهیم و تحقیقاتی
1	مقاله اثرات تحریم های بین المللی و سایر عوامل تأثیرگذار بر نرخ ارز در ایران	با قلم طیبی و دیگران در سال 1396 در تحقیقات اقتصادی چاپ شده است	نتایج حاصل شده نشان می دهد که تحریم های قبل از سال 1391 اثر مستقیم و البته ضعیفی بر نرخ ارز داشته است
2	بررسی تأثیر تحریم های مالی و تجاری بر نرخ ارز در ایران	با قلم ابوالحسنی هسگری و دیگران در سال 1402 در اقتصاد مالی چاپ شده است.	نقدینگی، کسری بودجه، تراز پرداخت ها، تورم و انتظارات تطبیقی نرخ ارز، پس از تحریم های شدید بالا رفته است
3	بررسی تأثیر تحریم های اقتصادی و نااطمینانی نرخ ارز بر جذب FDI در ایران: رویکرد فازی	با قلم محمدعلی ی متفکر آزاد و دیگران در سال 1399 در فصلنامه اقتصاد و الگوسازی چاپ شده است.	مفاهیم مؤثر این نکته است که تحریم نااطمینانی و سریع نرخ ارز در اقتصاد ایران، محیط نااطمینانی را برای تصمیم گیری های سرمایه گذاران ایجاد کرده است.
4	ارائه یک سیستم پیشنهادی تصمیم گیری به منظور ارزیابی و اولویت بندی ریسک واردات کالا به منظور مدیته آثار تحریم	با قلم بهرام آندی و دیگران که در سال 1397 در فصلنامه پژوهش در مدیته تولید و عملیات به چاپ رسیده است.	نتایج نشان می دهد از میان ده ریسک شناخته شده، ریسک های مرتبط با پرداخت نکردن به موقع ارز به شرکت های تأمین کننده خارجی، مسکن های نامطمئن انتقال ارز و حمل و نقل اهمیت بیشتری دارند. در نهایت،

استراتژی‌های مواجهه با ریسک‌های شناسایی شده بر مبنای تجارب کسب شده قبلی در حوزه تحریر ارائه می‌شوند.		(واردات اقلام دارویی)	
- بالاخره چندین منبع و پیشینه دیگر که به خاطر رعایت اصل اختصار صرفنظر گردید.			

2 مبای نظری

نظری انتقال قدرت که توسط آبرامو ارگانسکی در مئانه قرن بیستم ارائه گردید، چارچوبی تحلیلی برای درک دینامیک روابط بین الملل به دست می دهد. این نظری ساختار نظام جهانی را به صورت هرمی سلسله مراتبی تصوی می کند که در آن کشورها بر اساس میزان قدرت و نفوذشان جایگاه می یابند؛ قدرت های برتر در رأس و کشورهای ضعیف تر در قاعده ای هرم قرار دارند. پرواضح است مثلاً قدرت های مسلط ابزارهای متعددی را برای جلوگیری از ظهور قدرت هایی مانند ایان بکار گیرند. (ذوالفقاری، 1399، ص145) به نظر می رسد زیر مجموعه واقع گرایی می تواند قلمداد گردد واقع گرایی همچنان قانع کننده ترین چارچوب برای تحلی امور بین الملل است. (Ko Unoki, 2016: p6)

بر اساس این چارچوب، کشورها با توجه به دو معیار اصلی دسته بندی می شوند: اول، میزان قدرت بالفعل و بالقوه آنان، و دوم، سطح رضا بتمدی آنان از نظم حاکم بین المللی است از ترکیب این دو معیار، چهار گونه دولت شکل می گیرد: قدرت های بزرگ راضی، قدرت های بزرگ ناراضی، دولت های ضعیف راضی و دولت های ضعیف ناراضی. آن دسته از کشورهایی که هم از قدرت برخوردارند و هم از وضع موجود راضی هستند، عموماً حافظان نظم بین المللی تلقی می شوند. در مقابل، کشورهای ناراضی به ویژه آنهایی که از قابلیت های قدرت برخوردارند به عنوان بازیگران اصلی شناخته می شوند که خواهان بازتوزیع قدرت و بازتعریف قواعد بازی بین المللی هستند. برخی معتقدند انتقال قدرت یک امر تجاری بین کشورهای قدرتمند است. این اصطلاح از اثر کلاسیک کنت اورگانسکی، رئیسست جهانی و روابط بین الملل، گرفته شده است. (Lai, 2011: p5)

کلید نظری بر این اصل استوار است که ثبات نظام بین الملل تا زمانی تداوم می یابد که برتری قدرت در اختیار کشورهای حافظ وضع موجود باشد. نقطه بحران زمانی فرا می رسد که قدرت کشورها ی چالشگر طالب تغییری، به سطح قدرت کشورها ی همزمن نزدیک شود. این همگرایی در سطوح قدرت، احتمال بروز درگیری و رویوویی مستقیم را به طور تصاعدی افزایش می دهد، زیرا کشورهای صعودکننده برای دستیابی به جایگاه ی متناسب با قدرت جدید خود و تغییر قواعد به نفع خویش فشار وارد می کنند، چرا که قدرت دلیلی اصلی حکومت بر جهان است. مفهوم گذار قدرت زمانی آغاز می شود که یک کشور رشد اقتصادی بالایی داشته و قدرت نظامی کسب کرده و به سطح رقابتی خود رسیده و

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی تحریم های ثانویه با الهام گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

همچنین جایگاه خود را در صدر نظم بین المللی داشته باشد و عطش قدرت باعث شده است که کشور به حداکثر قدرت خود برسد.

(See: Muhammad Khan et al,2022:p9)

ارگانسکی فرآیند تحول قدرت را در قالب چهار مرحله متوالی ترسیم می نماید: مرحله شکل گیری برکن های قدرت، مرحله رشد و بالفعل سازی ظرفیت ها، مرحله بلوغ و تثبیت، و نهایتاً مرحله افول. تمایز اصلی این نظریه با رویکردهای سنتی تر مانند موازنه قوا در این است که کاهش شکاف قدرت بین کشورها را نه عامل ثبات، بلکه محرک بی ثباتی و افزایش احتمال جنگ می داند. نوعاً نظریه انتقال قدرت، مدلی پولی و ساختاری برای تحلیلی تغییرات اساسی در قدرت جهانی است. (Tammen et al, 2017)

در مدل تحلیلی ارگانسکی، نابرابری در توزیع قدرت و میزان رضایت از نظم موجود، دو متغیر به هم پیوسته و تعیین کننده محسوب می شوند. نابرابری قدرت، ساختار سلسله مراتبی خاصی به نظام بین الملل می بخشد، در حالی که رضایت ملی نارضایتی کشورها از این ساختار، جهت گیری رفتاری آنان را مشخص می کند. ترکیب نارضایتی با افزایش قدرت در یک کشور، آن را به بازیگری چالشگر تبدیلی می کند که برای دگرگونی در نظم موجود تلاش خواهد کرد. مجدداً تاکید دارد در توضیح این نظریه که بر پولی ساختار نظام بین الملل و نحوه دگرگونی قدرت در این عرصه تمرکز دارد. این نظریه، نظام بین الملل را واجد ماهیتی سلسله مراتبی می داند که در آن، رقابت و منازعه برای دستیابی به سلطه، همواره محتمل و ممکن تلقی می شود. (Afrapoli et al,2021:p7)

بر این اساس، پایداری نظام بین الملل نه تنها به توزیع قدرت، بلکه به میزان مقبولیت آن ساختار در میان بازیگران مختلف رهن وابسته است. هنگامی که کشوری قدرتمند از نظم موجود ناراضی باشد و توانایی رقابت با قدرت مسلط را به دست آورد، شریک برای یک انتقال قدرت پرهزین و احتمالاً خشونت بار فراهم می شود. بنابراین، این نظریه با ترکیب دو عنصر قدرت و رضایت، ابزاری تحلیلی برای فهم تحولات بزرگ بین المللی و گذارهای ژئوپلیتیکی فراهم می آورد.

3 مفهوم هژموری در نظام بین المللی

هژموری یکی از مفاهیم مهم و بحث برانگیز در روابط بین الملل است که به معنای سلطه و برتری یک قدرت در نظام بین المللی اشاره دارد. هژموری به معنای سلطه فراگیری جهانی و اعمال نفوذ در قلمرو جغرافیایی گسترده است. منظور از هژمونی این است که یک کشور ملی دولت قدرتمند در سیستم بین المللی بر مقررات و ترجیحات ناظر بر روابط اقتصادی و سیاسی بین المللی نفوذ و سلطه مؤثر داشته

باشد. برخی معتقدند هژمون موجد، حامی و تشییت کننده قواعد حقوقی بین المللی است. (فهرزآبادکن و دیگران، 1394، ص 110) هژموری از چند طریق به ایجاد صلح و نظم بین المللی کمک می کند:

- ایجاد امریت عمومی از طریق قدرت برتر و جلوگیری از رقابت های تسلی جانی؛
- تقویت هنجارهای بین المللی برای هدایت رفتار کشورها؛
- تنظیم ساختار اقتصادی، تولیدی، تجاری و مالی بین المللی؛
- ایجاد بستری مناسب برای برقراری روابط سیاسی میان کشورها.

در مورد آنچه هژموری در نظام بین الملل دیکتاتورهای مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند با ظهور قدرت های نوظهور مانند چین، دوران هژموری آمریکا رو به پائین است. در مقابل، برخی دیگر بر تداوم هژموری آمریکا با تغییر شکل آن به "هژموری هوشمند" تأکید دارند. با این حال اگرچه نظام بین الملل، تا کنون، شاهد سلطه مطلق یک و تنها یک قدرت مسلط در همه عرصه های سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی نبوده، اما تلاش های نظری متعددی برای تبیین وضعیت های متصور برای چنین نظامی صورت گرفته است. (جمشیدی، 1386، ص 785) هژموری همچنان یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل روابط بین الملل است و درک چگونگی عملکرد آن برای فهم پویایی های نظام بین المللی ضروری است. (آجیلی و دیگران، 1395، ص 1)

معمول بر این است هژمون ها می توانند هنجارهای بین المللی را برای هدایت رفتار کشورها تقویت کنند. این امر به شکل گهی و تشییت اصول حقوقی در روابط بین الملل کمک می کند. نظم هژموریک بستری مناسب برای برقراری روابط سیاسی میان کشورها فراهم می کند. این امر به توسعه حقوق دیپلماتیک و معاهدات بین المللی کمک می نماید. بنابراین هژموری از طریق ترکیبی از قدرت سخت و نرم، نظم، ثبات و قواعد بین المللی را شکل می دهد، اما باید به محدودیت ها و چالش های آن نیز توجه داشت. نخستین بار در دهه سوم قرن بیستم از مفهوم هژموری برای تحلیل سیاست داخلی استفاده شد و پس از دهه 1960 در تحلیل سیاست بین الملل مورد توجه قرار گرفت. در دهه 1970 نظری پردازان اقتصاد سیاسی بین المللی آن را به عنوان یک مفهوم محوری به کار گرفتند اما از دوره پس از جنگ سرد مجادلات عمده بر سر آن در گرفته است. (جهانگیری، 1385، ص 1)

مفاهیم های تحقیقاتی

4. قاعده فقهی تترس و الهام آن بر سیاست

در معنای فقهی آن چنین آمده است تترس، در اصطلاح فقه نظامی در موردی به کار می رود که کافران بخواهند مسلمانان علی کساری را که کشتن آنها جایز نیست، مانند زنان و کودکان برای دفاع از خود سپر قرار دهند. تترس در لغت به معنی پوشاندن به وسیله ترس (سپر) است. (زنجی، مرتضی، تاج العروس، ج 15، ص 477)

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی تحریم‌های ثانویه با الهام‌گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

در فقه اسلامی تترس جای‌دهست، مگر در مواقع ضرورت که در این صورت جای‌است و قصاص و دی ندارد. در اصطلاح فقیهان در موردی به کار می‌رود که کافران بخواهند مسلمانان علی‌کساری را که کشتن آنها جای‌دهست، مانند زنان و کودکان برای دفاع از خود سپر قرار دهند. (فیض، 1402، ص 267)

اگر بخواهیم به صورت خاصه برای سیاست و اقتصاد از آن الهام بگیریم، قاعده تترس، به معنای استفاده از فشار اقتصادی به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی، در تاریخ معاصر به ویژه در زمینه تحریم‌ها و محاصره‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. این قاعده نشان‌دهنده یک استراتژی پیچیده است که می‌تواند در شرایط مختلف به کار گرفته شود. تاریخ استفاده از قاعده تترس به دوران جنگ‌های جهانی برمی‌گردد. در این دوره، قدرت‌ها از تحریم‌ها و محاصره‌های اقتصادی برای تحت فشار قرار دادن دشمنان خود استفاده کردند. هدف این بود که با ایجاد کمبودهای اقتصادی، طرف مقابل را به تسلیم وادار کنند. اما نتایج این اقدامات هم‌یشه مطابق با انتظارات نبوده است. به عنوان مثال، در جنگ جهانی اول و دوم، تحریم‌ها به جای اینکه سریعاً اثرگذار باشند، معمولاً تأثیرات کند و تجمعی داشتند. کاربردهای قاعده تترس به صورت خاصه (در قالب تهدیدات و فرصت‌ها) می‌توان در مراتب ذیل مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

- **تحویل هزینه بر دشمن (تهدید):** با اعمال تحریم‌های اقتصادی، کشورها می‌توانند هزینه‌های جنگ را برای دشمن افزایش دهند. این امر می‌تواند شامل قطع دسترسی به منابع حیاتی، بازاریابی بین‌المللی در تمامی ابعاد آن باشد.
 - **ایجاد نارضایتی داخلی (تهدید):** تحریم‌ها می‌توانند منجر به نارضایتی عمومی در کشور هدف شوند. این نارضایتی ممکن است فشارهایی را بر حکومت‌ها وارد کند تا تغییرات سیاسی را بپذیرند علی‌حسب به سقوط آن‌ها منجر شود.
 - **تقویت خودکفایی (فرصت):** در برخی موارد، کشورها با تهدیدات اقتصادی مواجه می‌شوند که باعث می‌شود تا تلاش کنند تا خود را از وابستگی‌های خارجی رها کنند و به سمت خودکفایی حرکت کنند.
 - **استفاده از تهدیدات برای جلوگیری از جنگ (فرصت):** تهدید به محاصره اقتصادی می‌تواند به عنوان ابزاری برای جلوگیری از جنگ عمل کند. در دوره بین دو جنگ جهانی، این تهدیدات باعث شد که برخی کشورها از آغاز جنگ خودداری کنند.
- در خصوص آثار آن می‌توان تصریح داشت تحریم‌ها معمولاً بیشترین آسیب را به غنی‌نظام‌کن وارد می‌کنند و این امر می‌تواند منجر به انتقادات بین‌المللی شود. البته کشورمورد هدف ممکن است با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی‌تر علی‌تقویت نظامی به تهدیدات اقتصادی پاسخ دهند. این موضوع می‌تواند

منجر به تشدید تنش‌ها شود. در بسیاری از اوقات، تحریم‌ها نتوانسته‌اند اهداف سیاسی مورد نظر را تحقق بخشند و حتی ممکن است نتیجه معکوس داشته باشند. انحراف نرخ ارز بسیاری از کشورهای جهان را درگیر کرده‌است. بخش داخلی و خارجی اقتصاد را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده‌است. از این رو شناسایی علل پیدایش و شکل‌گیری ناترازی نرخ ارز امری ضروری است. مطالعات انجام‌شده بر روی اقتصاد ایران عمدتاً تأثیر تحریم‌ها را بر متغیرهای کلان اقتصادی شامل رشد اقتصادی، تولید داخلی، نقدینگی، صادرات، واردات، قیمت نفت، درآمد‌های نفتی و غیره مورد ارزیابی قرار داده‌است. (ابراهیم هادئین و دیگران، 1401، ص 223)

قاعده تترس در محاصره اقتصادی و بسیاری یک ابزار پیچیده است که می‌تواند همزمان فرصت‌ها و چالش‌هایی را ایجاد کند. در حالی که ممکن است استراتژی در کوتاه مدت مؤثر باشد، تأثیرات بلندمدت آن ریزش‌مند تحلیلی دقیق‌تری است تا بتوان از آن به نحو احسن بهره‌برداری کرد. اگر کشوری با چنین سیاستی عمل کند که به هیچ یک از قدرتهای استعماری وابسته نباشد و استقلال کامل خود را حفظ نماید قطعاً در دنیای امروز در محاصره اقتصادی و سیاسی قرار می‌گیرد. (الموسوی خمینی، 1344، ص 234)

5 سیاست تحریم سلاح مقابله‌ای دولت آمریکا

سیاست تحریم سلاح در ایالات متحده به عنوان یکی از ابزارهای اصلی فشار اقتصادی و بسیاری در سیاست خارجی این کشور شناخته می‌شود. این سیاست به ویژه در ارتباط با کشورهای مانند ایران، روسیه و کره شمالی به کار گرفته شده است. این تحریم‌ها محدودیت‌های گسترده‌ای را بر تمام فعالیت‌های اقتصادی با کشورهای خاصی (مخالف رویه و مشی آمریکا) اعمال می‌کند. آن‌ها معمولاً تجارت، معاملات مالی و سرمایه‌گذاری با این کشورها را ممنوع می‌کنند. (See: Center for Economic and Policy Research, 2024)

در خصوص ایران به صورت خاصه تحریم‌های اقتصادی و نظامی آمریکا به طور رسمی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ماجرایی گروگان‌گیری در سال 1979 آغاز شد. از آن زمان، ایالات متحده به تدریج تحریم‌های متعددی را علیه ایران وضع کرده است که شامل تحریم‌های اقتصادی، تجاری، علمی و نظامی می‌شود. در سال 2017، قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها (کاتسا) تصویب شد که هدف آن اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه علیه ایران به دلیل اتهامات حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر و برنامه‌های موشکی بود. این قانون همچنین اختلالات رئیس‌جمهور را برای تغییر تحریم‌ها بدون تأیید کنگره کاهش داد. آمریکا از تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف بسیاری خود استفاده می‌کند. این اهداف شامل موارد زیر است:

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی
تحریم های ثانویه با الهام گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

- **مقابله با تهدیدات امنیتی ملی:** ایالات متحده تحریم ها را به عنوان ابزاری برای مقابله با کشورهایی که تهدیداتی برای امنیت ملی خود می داند، اعمال می کند. برای مثال، برنامه موشکی ایران و حمایت این کشور از گروه های شبه نظامی از جمله دلائی اصلی تحریم هاست.
 - **تأثیرگذاری بر رفتار کشورها (به خصوص کشورهای مخالف):** هدف دیگر تحریم ها تغییر رفتار کشورهای تحت تحریم است. ایالات متحده بر این باور است که با ایجاد فشار اقتصادی می تواند کشورها را به تغییر سیاست های خود ترغیب کند.
 - **حفظ منافع اقتصادی:** ایالات متحده همچنین از تحریم ها به عنوان ابزاری برای حفظ منافع اقتصادی خود استفاده می کند. جریمه هایی که بر اساس تحریم ها علیه شرکت ها و بانک های خارجی وضع می شود، منبع درآمد قابل توجهی برای دولت آمریکا ایجاد می کند در گزارش وزارت خارجه آن آمده است (تا تأثیر اقتصادی آنها را بر اهداف به حداکثر برساند و آسیب به منافع اقتصادی آمریکا را به حداقل برساند).¹
- سیاست تحریم سلاح دولت آمریکا یک ابزار کلیدی در راستای تحقق اهداف سیاسی و امنیتی این کشور است. با وجود انتقادات جهانی نسبت به اثرات منفی این تحریم ها بر مردم کشورها ی هدف، ایالات متحده همچنان بر استفاده از این ابزار تأکید دارد. این سیاست نه تنها بر روابط بین المللی تأثیرگذار است بلکه نشان دهنده تغییر رویکرد آمریکا در مواجهه با چالش های جهانی رهن می باشد. تحریم های اقتصادی به عنوان جایگزینی برای درگیری نظامی بعد جنگ سرد اهمیت فزاینده ای پیدا کرده اند. (Kaempfer et al, 2007, p867) ایالات متحده یک سیاست تحریمی جامع را به عنوان ابزار سیاست خارجی و امنیت ملی به کار می گیرد و کشورها، نهادها و افراد مختلف ی را هدف قرار می دهد که اقدامات آنها مغایر با منافع ایالات متحده تلقی می شود. این سیاست از دهه 1990 به طور قابل توجهی تکامل یافته است و با دسترسی گسترده و کاربرد مکرر آن مشخص می شود. به عنوان مثال تحقیقات متعددی ثابت کرده است تحریم های آمریکا نوسانات قیمت نفت را در منطقه خاورمیانه افزایش داده است (Filipenko et al, 2020, p69) تحریم های یک جانبه از سوی آمریکا عدول از سیاست اقتصادی بین المللی و عدم تطابق با آن است. تحریم های ثانویه تعهدات آمریکا در خصوص

¹. See: Report Economic Sanctions Policy and Implementation - United States Department of State. (2024, March 12). United States Department of State. <https://www.state.gov/economic-sanctions-policy-and-implementation>

گات، سازمان تجارت جهان و... را نقض می‌کند. طبق قوانین بین‌المللی، این تحریم‌ها غیرقانونی می‌باشد. (گروه نویسندگان، 1376، ص 225)

6. علل عمده تضعیف و ترغیب سرمایه‌داری

از آنجایی دلار به یک سلاح پشتیبان برای منافع ملی و سرمایه‌های ایالات متحده آمریکا تعریف و به کار گرفته می‌شود کشورها به دلایل تحریم‌های ایالات متحده، انگیزه بیشتری برای کاهش وابستگی به دلار دارند. این تحریم‌ها باعث می‌شوند که استفاده از دلار به عنوان ابزار فشار اقتصادی برای این کشورها تبدیل شود. نقش بین‌المللی دلار در اقتصاد جهانی همچنان نقشی مسلط است؛ اما این اعتقاد وجود دارد که مسائلی مانند تحولات ژئوپلیتیکی، پیشرفت فناوری و در نهایت افزایش نقش رو به رشد چین، همچون قدرتی نوظهور، ممکن است هژمونی دلار آمریکا را در جایگاه قدرت مسلط با چالش روبه‌رو کند. (صالحی و دیگران، 1403، ص 189)

نوعاً نوسانات شدید اقتصادی و تورم بالا در کشورهای در حال توسعه، موجب می‌شود که مردم به دنبال ارزهای پایدارتر باشند. اما در عین حال، این وضعیت می‌تواند به تضعیف اعتماد به دلار و جستجوی ارزهای جایگزین منجر شود. دلایل ترغیب به دلارزدایی را در سطح نظام بین‌الملل می‌توان چنین به تصویر کشید:

- **کاهش وابستگی به آمریکا:** کشورها تلاش می‌کنند تا با حذف دلار از مبادلات خود، استقلال اقتصادی بیشتری پیدا کنند و از تأثیرات منفی سرمایه‌های پولی ایالات متحده در امان بمانند.
- **تسهیل مبادلات تجاری:** با استفاده از ارزهای محلی یا ارزهای دیگر مانند یوان چین، کشورهای مختلف می‌توانند هزینه‌های معاملاتی را کاهش دهند و روابط تجاری خود را تقویت کنند.
- **جنگ ارزها:** در درگیری امروز، جنگ‌های اقتصادی و ارزی یکی از ابزارهای اصلی رقابت بین کشورها شده است. کشورهایی که بتوانند ارزی مستقل و معتبر ایجاد کنند، احتمالاً در آینده برنده این جنگ در اقتصاد سیاسی خواهند بود.
- **پیشرفت فناوری مالی:** ظهور فناوری‌های نوین مالی و کریپتوکارنسی‌ها رهن فرصتی برای کشورهای مختلف فراهم کرده است تا از سیستم‌های مالی سنتی فاصله بگیرند و به سمت استفاده از ارزهای دیجیتال حرکت کنند. در خصوص وضعیت موجود می‌توان چنین پیش‌بینی داشت که نتیجه آن به چالش کشیده شدن موقعیت مسلط ایالات متحده در نظم مالی بین‌المللی بوده است. (میرترابی، 1399، ص 141)

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی تحریم های ثانویه با الهام گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

دلارزدایی یک روند پیچیده است که تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد و نیازمند برنامه ریزی دقیق برای حفظ ثبات اقتصادی و تقویت ارزش پول ملی است. برخی معتقدند نوسانات ناشی از کاهش ارزش دلار به همراه اعمال تحریم علیه کشورها با استفاده از قدرت دلار سبب گردیده است تا سای کشورها به دنبال کاهش وابستگی به دلار باشند فرآیندی که دلارزدایی نام گرفته است. (شهریاری و دیگران، 1403، ص 128)

اعمال تحریم ها توسط ایالات متحده، به ویژه پس از حمله روسیه به اوکراین، کشورها را بر آن داشته است تا به دنبال جایگزینی هایی برای دلار باشند. بسیاری از کشورها این تحریم ها را به عنوان افزایش بخش از حد قدرت مالی ایالات متحده می دانند که منجر به افزایش علاقه به دلارزدایی به عنوان وسیله ای برای کاهش خطرات مرتبط با اتکا به دلار می شود. علی مثالاً اینکه دلار با چالش هایی مانند فشار نقدینگی و فشارهای افزایشی مواجه شده است که آن را برای معاملات بین المللی کمتر مساعد کرده است. فشار به سمت دلارزدایی که توسط ترکیبی از تنش های ژئوپلیتیکی، تغییرات اقتصادی و تغییرات ساختاری در اقتصادهای مختلف هدایت می شود. در حالی که تلاش های قابل توجهی برای کاهش اتکا به دلار آمریکا در حال انجام است، موقعیت تشعشع شده آن به عنوان ارز ذخیره اولیه جهان نشان می دهد که تغییرات معری دار زمان می برد و به شدت به سیاست های داخلی و تحولات بین المللی بستگی دارد. (Ngraham، 2016، p1)، (See: Enhancing Monetary Policy، 2024).

7. بریکس نظم بین المللی مقابله ای در جنگ با سلطه دلار

گروه بریکس (BRICS) که شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است،¹ به دنبال کاهش وابستگی به دلار آمریکا و تقویت استفاده از ارزهای محلی و سیستم های مالی مستقل است. این برنامه به عنوان "دلارزدایی" شناخته می شود و در سال های اخیر به ویژه با توجه به تحریم های اقتصادی ایالات متحده، شدت بیشتری گرفته است. برای این امر کشورهای عضو بریکس به دنبال ایجاد یک سیستم پرداخت جایگزین برای سوئیفت هستند که به آنها اجازه می دهد تا بدون وابستگی به دلار، معاملات بین المللی خود را انجام دهند. روسیه و چین به ویژه در این زمینه پیشرو هستند و تلاش دارند تا با استفاده از ارزهای ملی خود، تسوی حساب ها را انجام دهند. در اجلاس اخیر بریکس، موضوعاتی مانند استفاده از ارزهای دیجیتال و پلتفرم های دیجیتال برای تسهیل پرداخت ها مورد بحث قرار گرفت. این اقدامات شامل توسعه "BRICS Pay" است که با استفاده از فناوری بلاکچین و ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) طراحی شده است. (Corbin، 2024) البته برای

¹. به تازگی کشورهای ایران، عربستان، امارات و چند کشور دیگر بدین نظم بین المللی پیوسته اند.

اهداف تشکیلی سازمان بریکس توسط مؤسسه‌ی در منابع آمده است این می‌تواند یک استراتژی ارتباطی سرکاری عمدی به ویژه در مکتب پنج کشور مختلف باشد که هدفشان نشان دادن همسویی در مورد هدفشان در سرکاست جهانی است. (Kodabux، 2023، p403)

همکاری مکتب اعضای بریکس، پس از اولین گردهمایی بریک در سال 2006، تاکنون رو به افزایش بوده و این گروه به تدریج، جایگاه مهم‌تری را در زمینه مسائل اقتصادی بین‌المللی به دست آورده است. در گروه بریکس باوجود محدود بودن، اعضا همراه با چین با ایجاد نهادهای مالی جدید در قالب بریکس، یک کمربند-یک جاده، برای مقابله با نهادهای مالی هژمونیک جهانی تلاش کرده‌اند. نوشتار پیش رو می‌کوشد نقش چین در حال رشد را در بریکس و چگونگی تغییر حاکمیت اقتصاد جهانی و پتانسیل ابتکارات مستقل آن برای تأثیر بریکس بر اقتصاد جهانی بررسی کند؛ از سوی دیگر، چین قدرتی نوظهور به شمار می‌رود که به سرعت در حال ارتقای جایگاه خود در نظم اقتصادی بین‌المللی است. (میرترابی، 1401، ص 415) در تعریف دیگری چنین آمده است عنوان قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل، اشاره به مجموعه‌ای از کشورها دارد که با اتکا به توسعه اقتصادی، روابط گسترده با قدرت‌های سنتی جهان و همچنین عدم اتخاذ رویکرد تجدیدنظرطلبانه در مورد هنجارهای جهانی و نظم بین‌المللی، موقعیت و نفوذ سرکاری قابل توجهی در نظام بین‌الملل کنونی کسب کرده‌اند. عنوان‌هایی مانند بریکس 11، سرواژه‌هایی هستند که ضمن اشاره به گروه بندی کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، بلوکی از قدرت‌های نوظهور را معرفی می‌کنند که سعی در افزایش نفوذ و قدرت خود در ساختار نظام بین‌المللی دارند. قدرت‌های نوظهور به ویژه چین با توجه به رشد اقتصادی، خواهان ارتقای جایگاه بین‌المللی خود هستند و در این مسیر با ایجاد نهادهای مالی، پولی و بانکی جدید مانند بانک آسیایی سرمایه‌گذاری زی‌ساخت و بانک جدید توسعه بریکس در پی افزایش قدرت اقتصادی و سرکاری خود در دوران گذار نظام بین‌الملل هستند. (موسی زاده و دیگران، 1394، ص 111) در خصوص این رویکرد نوین به نوعی از استراتژی موازنه نرم برای مقابله با نظام تک‌قطبی و افزایش نفوذ و تأثیرگذاری خود در معادلات جهانی استفاده می‌کنند. (شیرخانی و دیگران، 1393، ص 145)

باید فراموش نکنیم یکی از اهداف بلندمدت بریکس ایجاد یک ارزش مشترک است که می‌تواند به عنوان یک ذخیره جدید برای کشورهای عضو عمل کند. این ارزش ممکن است برپایه سبدهای ملی کشورهای عضو باشد و هدف آن کاهش وابستگی به دلار باشد. ارزش بالقوه بریکس به این کشورها این امکان را می‌دهد که استقلال اقتصادی خود را در حالی که با سیستم مالی بین‌المللی موجود رقابت می‌کنند، ابراز کنند. سیستم فعلی تحت سلطه دلار آمریکا است که حدود 90 درصد از کل معاملات ارزش را تشکیل می‌دهد. در نشست امسال بریکس، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در حالی که نمونه اولیه اسکناس احتمالی بریکس را در دست داشت، روی صحنه ظاهر شد. با این حال، به نظر می‌رسد

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی
تحریم های ثانویه با الهام گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

که او از درخواست های تهاجمی قبلی برای دلارزدایی عقب نشینی کرد و گفت که هدف کشورهای عضو بریکس دور شدن از پلت فرم سوئیفت تحت سلطه دلار آمریکا نیست، بلکه جلوگیری از «سلاح سازی» دلار آمریکا است. با توسعه سیستم های جایگزینی برای استفاده از ارزهای محلی در معاملات مالی بین کشورهای بریکس و با شرکای تجاری است. (Pistilli، 2024، p1)

در خصوص نقش مقابله ای این سازمان یا ائتلاف بین المللی در مقابل استراتژی دلار به عنوان سلاح می توان چنین مدعی شود که صرف عضویت کشورها در این ائتلاف نمی تواند منجر به تحقق منافع اقتصادی برای آن منجر شود بلکه با بی از ظرفیت این گروه برای افزایش همکاری های اقتصادی بهره برد. این سازوکار به دنبال تغیر نرم در سازوکارهای جهانی و در بلندمدت به دنبال ایجاد تغیرات جدی و جدی در نظم بین المللی است. (نک به: ترابی فرد، 1401) درخصوص این امر به تازگی ترامپ رئیس جمهور آمریکا (وقت دونالد ترامپ دور دوم) خطر را احساس کرده است بدین خاطر تصریح داشته است: در شبکه اجتماعی «تروث سوشال»، کشورهای بریکس را تهدید کرد که در صورت ایجاد جایگزینی برای دلار، برای آنها تعرفه اعمال خواهد کرد. وی کشورهای بریکس را تهدید کرد که اگر از طرح ایجاد ارز جایگزینی برای دلار دست نکشند، «تعرفه ۱۰۰ درصدی» بر آنها اعمال خواهد کرد.

(<https://www.shahrekhavar.com/news/173299560012234>)



Donald J. Trump
@realDonaldTrump

The idea that the BRICS Countries are trying to move away from the Dollar while we stand by and watch is OVER. We require a commitment from these Countries that they will neither create a new BRICS Currency, nor back any other Currency to replace the mighty U.S. Dollar or, they will face 100% Tariffs, and should expect to say goodbye to selling into the wonderful U.S. Economy. They can go find another "sucker!" There is no chance that the BRICS will replace the U.S. Dollar in International Trade, and any Country that tries should wave goodbye to America.

8 ظهور قدرت اقتصادی چین و انتقال قدرت به شرق

امروزه یکی از تحلیلهای اصلی حوزه مسائل تخصصی علوم اجتماعی و سیاسی اقتصادی ظهور قدرت اقتصادی چین و انتقال قدرت به شرق یکی از موضوعات مهم در تحلیلهای سری و اقتصادی جهانی است. این تغییرات نه تنها بر ساختار قدرت جهانی تأثیر می‌گذارد، بلکه به شکل‌گیری نظم جدیدی در روابط بین‌الملل منجر می‌شود. چین از اواخر دهه 1970 و با شروع اصلاحات اقتصادی تحت رهبری دنگ شائوپینگ، مسیر رشد سریع اقتصادی را آغاز کرد. این کشور با تغییر رویکرد از ائولوژی کمونیستی به عملگرایی اقتصادی، توانست خود را به عنوان یک بازیگر کلیدی در اقتصاد جهانی معرفی کند. کارشناسان بر این باورند که چین تا سال 2035 به بزرگترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد و این روند انتقال قدرت از غرب به شرق تا سال 2045 ادامه خواهد یافت. تحلیلگران معتقدند که انتقال قدرت از غرب به شرق نه تنها یک تغییر جغرافیایی است، بلکه شامل تغییر در روابط بین‌الملل می‌شود. این روند ممکن است با تنش‌هایی همراه باشد، زیرا قدرت‌های نوظهور مانند چین تلاش می‌کنند تا جایگاه خود را در نظام بین‌المللی تثبیت کنند. نظریه "دام توسی" چین به این نکته اشاره دارد که جنگ ممکن است قدرت‌های حاکم و نوظهور اجتناب‌ناپذیر است.¹ با وجود پیشرفت‌های چشمگیری، چین با چالش‌هایی روبرو مواجه است. افزایش تنش‌ها با ایالات متحده در زمینه‌های تجاری، فناوری و حقوق بشر می‌تواند بر روند توسعه این کشور تأثیر بگذارد. همچنین، نخبگان چینی بای راهبردهای جدیدی برای تقویت قدرت نرم خود اتخاذ کنند تا بتوانند تصویری مثبتی از چین در عرصه بین‌المللی ارائه دهند. ظهور چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی نه تنها بر ساختار قدرت جهانی تأثیرگذار خواهد بود، بلکه ممکن است نظم جدیدی را در روابط بین‌الملل شکل دهد که در آن کشورهای شرقی نقش بیشتری ایفا خواهند کرد. نوعاً می‌توان گفت انتقال قدرت از غرب به شرق به عنوان یک روند جهانی در حال شکل‌گیری است و به عوامل متعددی بستگی دارد. این عوامل به طور کلی شامل تغییرات اقتصادی، سری، اجتماعی و نظامی هستند. پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا به عنوان قدرت برتر جهانی شناخته شد. اما با افول قدرت این کشور و عدم توانایی آن در حفظ نظم جهانی، زمینه برای ظهور قدرت‌های جدید فراهم شده است. تحلیلگران معتقدند که نظام جهانی در حال گذار به یک نظم چندقطبی² است که در آن کشورهای شرقی نقش بیشتری ایفا خواهند کرد. این تغییرات به دلایل ناتوانی کشورهای غربی در تأمین امنیت و ثبات جهانی است. مثلاً چین با استفاده از

¹ اصطلاحی است که توسط دانشمند علوم سیاسی آمریکایی گراهام نی آلبیون برای توصیف گرایش آشکار به جنگ زمانی که یک قدرت نوظهور تهدید می‌کند یک قدرت بزرگ موجود را به عنوان یک هژمون منطقه‌ای بین‌المللی جایگزین کند، رایج شده است. این اصطلاح در سال 2015 محبوبیت زیادی پیدا کرد و در درجه اول برای تحلیلهای روابط چین و ایالات متحده به کار می‌رود. (Mohammed, 2022, pp1-2)

² Polar Order

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی تحریم های ثانویه با الهام گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی، سعی در افزایش نفوذ خود در دیگر کشورها دارد. این کشور با ایجاد مؤسسات آموزشی و فرهنگی در سراسر جهان، تلاش می کند تصویری مثبتی از خود ارائه دهد. ترکیب این عوامل باعث می شود که قدرت از غرب به شرق منتقل شود و نظم جدیدی در سطح جهانی شکل گیرد که در آن کشورهای شرقی مانند چین، هند و روسیه نقش های کلیدی را ایفا خواهند کرد. مسئله افول قدرت و جایگاه ایالات متحده آمریکا در نظام بین الملل و چرایی و چگونگی آن مدتهاست که در محافل اساتید و تحلیلگران روابط بین الملل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. با این حال همچنان ابهامات و سوءبرداشت هایی در این زمینه وجود دارد، تا جایی که برخی افول آمریکا را با «فروپاشی»¹ یا «تجزیه»² آن یکسان تلقی می کنند.³ (توجه شود به: سعیدی، 1400، ص 5)

¹. Collapse

². Decomposition

³. چالش های پیش روی آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی ناشی از ترکیب عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی است. این عوامل به طور کلی شامل موارد زیر می باشند:

■ عوامل اقتصادی

کاهش سهم اقتصادی: سهم تولید ناخالص داخلی آمریکا از تولید جهانی به طور مداوم در حال کاهش است. این سهم از حدود 50 درصد در دهه 1950 به نزدیک 20 درصد در حال حاضر رسیده است. این کاهش نشان دهنده افول نسبی قدرت اقتصادی آمریکا در مقایسه با رقبای نوظهور مانند چین و هند است. (نک به منابع پیشین)

بحران های مالی و کسری بودجه: بحران مالی 2008 و کسری بودجه های مداوم، به تضعیف قدرت اقتصادی آمریکا کمک کرده است. این کشور اکنون از بزرگترین طلبکار جهان به بزرگترین بدهکار تبدیل شده است.

■ عوامل سیاسی

افول مشروعیت: ناتوانی آمریکا در تأمین امنیت جهانی و مدیریت بحران ها، مانند بحران سوریه و جنگ های عراق و افغانستان، باعث کاهش اعتبار سیاسی این کشور در سطح بین المللی شده است. همچنین، سیاست های یکجانبه گرایانه و مداخله گرایانه آمریکا منجر به بیاعتمادی کشورهای دیگر نسبت به این کشور شده است. ظهور رقبای جدید: ظهور قدرت های جدیدی مانند چین و روسیه که جایگاه آمریکا را به چالش کشیده اند، یکی دیگر از عوامل مؤثر در افول هژمونی آمریکاست. این کشورها به تدریج در حال شکل دهی نظم جدید جهانی هستند.

■ عوامل اجتماعی و فرهنگی

9. سناریوهای احتمالی آمریکا در جهت مقابله با وضع موجود

پس از جنگ جهانی دوم با گذشت زمان، دلار آمریکایی به ارز بین‌المللی تبدیل شد که در نهایت نفوذ ایالات متحده را در سیاست جهانی تقویت کرد. (Kibria et al, 2025: p32) البته از همان زمان دلار با چالش‌هایی که با آن مواجه بوده است، از جمله شوک ری‌کسون در سال ۱۹۷۱ یکی از این موارد بود. (Mosharrafa, 2024: p566)

اقتصاد ایالات متحده با آسیب‌پذیری‌هایی نظیر بدهی ملی فزاینده و تداوم عدم تعادل در تراز تجاری مواجه است که این عوامل، تهدیدات جدی و قابل توجهی را متوجه ثبات اقتصاد جهانی می‌سازند. در همین راستا، کشورهای شرقی، به‌ویژه اعضای اتحاد بریکس+، با اتخاذ رویکردی راه‌بردی در جهت کاهش وابستگی به دلار، درصدد مقابله با این آسیب‌پذیری‌ها و به چالش کشیدن سلطه اقتصادی ایالات متحده بر نظام مالی بین‌المللی برآمده‌اند. (Niekerk, 2025, p37) دلارزدایی به معنای «کاهش قابل توجه استفاده از دلار در تجارت جهانی و معاملات مالی، و همچنین کاهش تقاضای ملی، نهادی و شرکتی» برای دلار ایالات متحده است. (Burke, 2024: p98)

ایالات متحده آمریکا در مواجهه با چالش‌های تضعیف موقعیت دلار به عنوان ارز مسلط بین‌المللی، مجموعه‌ای از راهبردهای هماهنگ و چندبعدی را در پیش گرفته است. این راهبردها که بر پایه تحلیلی‌های ساختاری و جامع اقتصادی استوار شده‌اند، درصددند از طریق ترکیبی از ابزارهای سیاست‌گذاری داخلی و دیپلماسی اقتصادی، جایگاه دلار را در نظام مالی جهانی تثبیت نمایند. برخی معتقدند از ابتدای سال 2022 میلادی فرآیند دلارزدایی در مرحله اولیه خود شروع کرده و می‌تواند برای دهه‌ها ادامه یابد. (Lobanova et al, 2024: p127) نوعا معاین وابستگی بیش از حد به دلار، به ویژه توسط کشورهای در حال توسعه، به شدت احساس شده است. (Li, 2023: p1)

در بعد سیاست تجاری، دولت فدرال با بهره‌گیری هدفمند از اهرم تعرفه‌های تجاری، همزمان به بازتعریف روابط ارزی با شرکای تجاری و حمایت از تولید داخلی می‌پردازد. این رویکرد نه تنها موجب افزایش رقابت‌پذیری کالاهای آمریکایی در بازارهای جهانی می‌شود، بلکه به عنوان اهرمی برای شکل‌دهی به نظم ارزی جدیدی بین‌المللی عمل می‌کند. در بعد مالی، تأسیس صندوق ثروت ملی با

تضعیف قدرت نرم: قدرت نرم آمریکا که به جذب فرهنگ و ارزش‌های دموکراتیک مربوط می‌شود، تحت تأثیر سیاست‌های داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. نارضایتی عمومی از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در داخل کشور، نقش بر تصویر جهانی آمریکا تأثیر منفی گذاشته است.

افزایش روند آمریکاستیزی در نظام بین‌الملل: جنگ‌ها و مداخلات نظامی آمریکا در خاورمیانه، به ویژه پس از حمله به عراق، موجب افزایش احساسات ضدآمریکایی در بسیاری از کشورها شده است. این موضوع باعث کاهش جذابیت فرهنگی و سطحی آمریکا در سطح جهانی شده است

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی تحریم های ثانویه با الهام گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

مأموریت سرمایه گذاری در دارایی های استراتژیک و منابع طبیعی، در جهت تبدیل دارایی های فنیکی به سرمایه های نقدشونده و تقویت پشتوانه دلار طراحی شده است. در حوزه پولی، اجرای سیاست تورمی کنترل شده به عنوان راهکار ی برای کاهش ارزش واقع ی بدهی های انباشته در دستور کار قرار دارد، که البته مستلزم مد ییت هوشمندانه اثرات تورمی از طریق تعدیل دستمزدها و حمایت های هدفمند است. همزمان، مد ییت کارآمد کسری بودجه و بدهی عمومی از طریق اصلاح نظام مالیاتی، بازنگری در ساختار هزینه های دولت و اعمال سیاست های انقباضی پیگیری می شود (Ibid).

در عرصه بین المللی، دیپلماسی اقتصادی فعال از طریق هماهنگی با نهادهای پولی و مالی جهانی برای تنوع بخشیدن به سبد ارزی کشورها و کاهش وابستگی تدریجی به دلار به عنوان یک راهبرد مکمل دنبال می شود. این مجموعه راهبردها نشان دهنده درک عمیق تصمیم گیران آمریکایی از پیچیدگی های نظام مالی جهانی و عزم آنان برای حفظ برتری اقتصادی این کشور در صحنه بین المللی است. موفقیت در اجرای این سیاست ها مستلزم هماهنگی نهادهای داخلی و تعامل سازنده با بازیگران بین المللی خواهد بود. هرچند برخی معتقدند برخی بازیگران این فعالیت را با هدف کاهش قرار گرفتن در معرض سیاست پولی ایالات متحده و سلاح سازی دلار انجام می دهند. (Badawi, 2025: p172)

در بُعد ژئوپلیتیکی، واشنگتن با طراحی پروژه های همکاری اقتصادی دوجانبه و چندجانبه، درصدد ایجاد شبکه های مالی جایگزین با محوریت دلار است. این راهبرد با هدف کاهش وابستگی به نظام های پرداخت بین المللی موجود و تقویت نفوذ ارزی آمریکا در اقتصادهای در حال ظهور پیگیری می شود. از جمله اقداماتی که می توان به انعقاد پیمان های پولی دوجانبه با شرکای تجاری کلیدی و توسعه زیرساخت های مالی مشترک اشاره نمود که در بلندمدت می تواند نقش دلار را در مبادلات منطقه ای تقویت کند.

نتیجه گیری

تترس به معنای قرار دادن انسان ها به عنوان سپر در برابر خطرات و حملات دشمن است. این قاعده به ویژه در شرایطی که دشمن قصد حمله دارد، مورد توجه فقها قرار می گیرد. هدف اصلی این قاعده، حفظ جان و جلوگیری از آسیب در مواجهه با تهدیدات است. قاعده فقهی تترس به عنوان یک ابزار دفاعی در فقه اسلامی شناخته می شود، اما باید با احتیاط و با رعایت اصول انسانی مورد استفاده قرار گیرد. اما امروزه در جهان معاصر آمریکا دقیقاً از دلار به عنوان یک اهرم دفاعی برای پیشبرد سیاست های خود استفاده می کند که همین موضوع در وضعیت آنارشیکی حقوقی می تواند به هرج و مرج در نظام بین الملل دامن زند و امنیت بین المللی را در تمامی ابعاد آن تحت الشعاع قرار دهد. البته

همین سیاست در میان مدت و بلند مدت همانطوریکه نشانه‌های آن بروز و ظهور کرده است می‌تواند برای مجری آن آسپ‌های جبران ناپذیری به دنبال داشته باشد. استفاده از دلار به عنوان سلاح اقتصادی توسط ایالات متحده به موضوعی مهم در سیاست‌های بین‌المللی تبدیل شده است. این رویکرد شامل تحریم‌های اقتصادی و تعرفه‌ها می‌شود که به منظور فشار بر کشورهای مخالف و حفظ سلطه دلار در تجارت جهانی به کار می‌روند. دولت آمریکا به ویژه در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ (دوره اول)، از دلار به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر کشورهای مخالف استفاده کرده است. ترامپ با معرفی تعرفه‌های سنگین و تحریم‌های اقتصادی، تلاش کرد تا از قدرت دلار برای تضعیف اقتصاد کشورهایی مانند ایران، روسیه و ونزوئلا بهره ببرد. این رویکرد به گونه‌ای طراحی شده است که نه تنها به اقتصاد این کشورها آسیب بزند، بلکه دیگر کشورها را نیز وادار به پیروی از سیاست‌های ایالات متحده کند. تحریم‌های اقتصادی که تحت عنوان "تحریم‌های ثانویه" رهن شناخته می‌شوند، باعث شده‌اند که بسیاری از کشورها به فکر کاهش وابستگی خود به دلار بفتند. این امر می‌تواند در بلندمدت به تضعیف موقعیت دلار در نظام مالی جهانی منجر شود. می‌توان دریافت استفاده از دلار به عنوان سلاح می‌تواند اعتماد جهانی نسبت به این ارز را کاهش دهد و کشورهای دیگر را تشویق کند تا سیستم‌های مالی جایگزین ایجاد کنند. در پاسخ به این سیاست‌ها، گروه بریکس (شامل چین، هند و روسیه) بر تجارت خارج از سیستم مالی مبتنی بر دلار تمرکز کرده‌اند. این کشورها در حال تلاش برای ایجاد راهکارهای جدید تجاری هستند که کمتر تحت تأثیر تحریم‌های آمریکایی قرار گیرند. همانطوریکه اشاره شد پس از پیروزی در 2024 آمریکا ترامپ همچنین تهدید کرده است که تعرفه‌های 100 درصدی بر کشورهایی که به دنبال دلارزدایی هستند، اعمال خواهد کرد. این تحولات نشان‌دهنده یک تغییر عمده در دینامیک اقتصادی جهانی است که ممکن است نتیجه آن کاهش نفوذ دلار و ظهور ارزهای دیگر در تجارت بین‌المللی باشد. مثلاً در نظم مدنظر بریکس در حال توسعه یک سیستم پیام‌رسان مالی به نام "بریکسپی" است که هدف آن کاهش وابستگی به سوئیفت و توانایی کنترل مبادلات مالی بدون دخالت آمریکا می‌باشد. اینکه کشورهای بریکس به تازگی توافق کرده‌اند که از ارزهای محلی برای تسویه حساب‌های بین‌المللی استفاده کنند. این اقدام می‌تواند به کاهش نوسانات ناشی از تغییرات دلار کمک کند. همچنین این گروه همکاری در حال بررسی ایجاد یک ارز دیجیتال مشترک است که می‌تواند به عنوان یک ابزار جدید برای مبادلات تجاری بین کشورهای عضو عمل کند. پیشنهادات واضحی که می‌توان از رهگذر حقوق و سیاسی ارائه نمود به شرح ذیل است:

اولاً: مستندسازی اقدامات آمریکا از منظر حقوقی دایر بر استفاده ابزاری از دلار در محاکم بین‌المللی تأثیری آن بر غیرنظامیان به عنوان قربانیان این مسئله می‌تواند اگر منجر به محکومیت گردد نوعاً باعث می‌شود اسناد حقوقی بین‌المللی در این زمینه به عنوان استناد این ادعا تضعیف را تقویت و مستندتر کند.

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی تحریم های ثانویه با الهام گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

ثابت می‌تواند یکی از وجوه اصلی و جلوه‌های سیاست خارجی تقویت اتحادیه‌هایی همانند بریکس و پیگیری اهداف و روش‌های آنها در رویکردهای دو یا چند جانبه می‌تواند در میان مدت ضمن کاهش فشار تحریم‌های اقتصادی به عنوان به بی اعتباری دلار و به ادبیات دیگر به نظم فرهنگ شکل گرفته دلارزدایی در اقتصاد سیاسی جهانی کمک شایان توجهی نماید.

در این پژوهش به تحلیل فرآیندهای جهانی و اقتصادی که ممکن است به افول جایگاه آمریکا در نظام بین الملل و سقوط دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی منجر شود پرداخته شد. با بررسی تاریخچه تحریم‌های ثانویه و آثار آن بر اقتصاد جهانی، به این نتیجه رسیدیم که هرچند تحریم‌های آمریکا در کوتاه مدت می‌توانند منافع اقتصادی برای این کشور ایجاد کنند، اما در بلندمدت و در صورت گسترش تحریم‌ها و واکنش‌های منفی کشورهای دیگر، ممکن است سبب کاهش اعتماد به دلار و جایگزینی آن با ارزهای دیگر سیستم‌های پرداخت نوی نظیر ارزهای دیجیتال سیستم‌های مبتنی بر بلاک چین شود. علاوه بر آن، قاعده‌گویی از قاعده فقهی "تترس" در فقه جزایی به مثابه یک ابزار فکری به تحلیل ظرفیت‌های جدید در نحوه تعاملات بین المللی پرداخته شد. در فقه جزایی، قاعده تترس زمانی به کار می‌رود که برای دست یافتن به هدفی خیر، ناگزیری از انجام عملی مضر یا غیرقانونی می‌شود. در این مقاله، به کارگیری این قاعده به منظور تبیین وضعیت کشورهای مختلف در برابر تحریم‌های ثانویه و تصمیمات اقتصادی آمریکا مطرح شد، که نشان می‌دهد اگرچه برخی اقدامات برای مقابله با تهدیدات اقتصادی و سرکشی آمریکا ممکن است با ریسک‌هایی همراه باشد، اما در نهایت ممکن است به نفع سیستم بین المللی و حفظ منافع کشورها باشد.

در نهایت، با توجه به روندهای کنونی، به نظر می‌رسد که احتمال افول موقعیت آمریکا در نظام بین الملل وجود دارد، اما این روند به عوامل مختلفی از جمله تصمیمات سرکشی کشورهای دیگر، تحول در اقتصاد جهانی و تغییرات در نحوه استفاده از فناوری‌های نوی بستگی دارد.

منابع و مأخذ:

- جمشیدی، محمد. (1386). نظام‌های عین الملای تک قدرت محور: تک قطبی، هژموری، امپراتوری. فصلنامه مطالعات راهبردی، 10(38).
- تراوی فرد، میلاد. (22/09/1401). بریکس؛ تاریخچه، کارکرد و ملاحظات الحاق ایران به این گروه. تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://sid.ir/paper/1048275/fa>
- شهبازی، محمد علی، بای‌بی، رحیم، رضازاده، مجتبی. (1393). موازنه نرم: بریکس و چالش برتری آمریکا. پژوهشنامه علوم سیاسی، 9(3).
- فیروزآبادی، مهدی، جلالی کروه، محمود، ری‌سری، لایلا. (1394). تأثیر هژموری در ایجاد نظم و امریت عین الملای و توسعه حقوق عین الملل. پژوهش نامه ایرانی سیاست عین الملل، 4(1).
- آج‌لی، هادی، جلوداری، ام‌البرهن. (1395). بایسته‌ها و الزامات شکل‌گیری هژموری چهاری و منطقه‌ای. پژوهش‌های سیاسی، 6(شماره 3 (18 بهار)).
- فیض، علیرضا (1402)؛ مبادی فقه و اصول مشتمل بر بخشی از مسائل آن دو علم، چاپ سی و دوم، نشر انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی خمینی، روح‌الله (1344)؛ صحیفه امام؛ چاپ دهم، نشر انتشارات بنیاد حفظ بنیاد حفظ آثار و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- شهرکزی، ابوالقاسم، الوند، مرضی السادات، مقفی کلندی، مهلا. (1403). دلارزدایی از روابط تجاری چین و عربستان با عضویت در بریکس. ره‌یافت‌های سیاسی و عین المللی، 16(1).
- می‌ترابی، سعید، کشورکن آزاد، محسن. (1399). تأثیر خیزش چین بر نظم مالی عین المللی (2008-2018). ره‌یافت‌های سیاسی و عین المللی، 11(4).
- صالحی، سعید حمزه، موسوی شفاف، سعید مسعود، گل‌محمدی، ولی، حاج‌یوسفی، امیرمحمد. (1403). سلیست دلارزدایی چین و تأثیر آن بر هژمونی دلار آمریکا. فصلنامه مطالعات کشورها، 2(2).
- همتی، مهدی، هادیان، ابراهیم، صمدی، علی حسین، صدراپی جواهری، احمد. (1401). تأثیر تحریرهای اقتصادی بر ناترازی نرخ ارز حقیقی در ایران، مجله ایرانی مطالعات اقتصادی، 1(11).
- کرمی، جهانگیر. (1385). هژموری در سیاست عین الملل؛ چارچوب مفهوم، تجربه تاریخی و آینده آن. پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی)، 2(3).
- ذوالفقاری، مهدی. (1399). نظریه انتقال قدرت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. نشر رع دانش سیاسی، 16(1).

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی
تحریم های ثانویه با الهام گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

- می ترابی، سعید، فلاح، مهرداد. (1401). چین، بریکس و تحول در نظم نهاد ی اقتصاد جهانی. مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، 5(2).
- گروه شورای نویسندگان (1376)؛ گزارش مخالف شدید متحدان آمریکا با تحریم ایران؛ فصلنامه سیاست خارجی، 11(1).
- سعیدی، روح الامین. (1400). تحلیل چرایی و چگونگی افول آمریکا از منظر تنوری چرخه های بلند. مطالعات راهبردی آمریکا، 1(1).
- موسوی زاده، رضا، خسروی، بهنام. (1394). بریکس و نهادسازی بین المللی. فصلنامه سیاست خارجی، 29(4).
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (1306 هجری قمری)؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ المجلد 15، دار المكتبة الحلة، بیروت، لبنان.
- Center for Economic and Policy Research. (2024, August 14). US sanctions Policy: Frequently asked questions - Center for Economic and Policy Research. <https://www.cepr.net/report/us-sanctions-policy-frequently-asked-questions>
- Report Economic Sanctions Policy and Implementation - United States Department of State. (2024c, March 12). United States Department of State. <https://www.state.gov/economic-sanctions-policy-and-implementation>
- Kaempfer, W. H., & Lowenberg, A. D. (2007). Chapter 27 The Political economy of economic Sanctions. In Handbook of defense economics. [https://doi.org/10.1016/s1574-0013\(06\)02027-8](https://doi.org/10.1016/s1574-0013(06)02027-8)
- Filipenko, A., Bazhenova, O., & Stakanov, R. (2020). ECONOMIC SANCTIONS: THEORY, POLICY, MECHANISMS. Baltic Journal of Economic Studies, 6(2). <https://doi.org/10.30525/2256-0742/2020-6-2-69-80>
- Ngraham. (2024, March 21). Dedollarization is not just geopolitics. economic fundamentals matter - Atlantic Council. Atlantic Council. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/econographics/sinographs/dedollarization-is-not-just-geopolitics-economic-fundamentals-matter>
- Enhancing monetary policy flexibility through 'De-dollarization'. (2016. September 21).

- IMF.<https://www.imf.org/en/Blogs/Articles/2016/09/21/enhancing-monetary-policy-flexibility-through-de-dollarization>
- Pistilli, M. (2024, November 6). How would a new BRICS currency affect the US dollar? (Updated 2024). INN. <https://investingnews.com/brics-currency>
- Corbin, M. (2024, June 4). BRICS and de-dollarization, how far can it go? Responsible Statecraft. <https://responsiblestatecraft.org/dedollarization-china-russia>
- Kodabux, A. (2023). BRICS countries' annual intergovernmental declaration: why does it matter for world politics? Contemporary Politics. 29(4).. <https://doi.org/10.1080/13569775.2023.2167340>
- Mohammed, F. (2022). Can the US and China Avoid the Thucydides Trap? JSTOR Daily. <https://daily.jstor.org/can-the-u-s-and-china-avoid-the-thucydides-trap>
- Stringham, E. P. (2007). Anarchy and the law. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1768172
- Tamblyn, Nathan (April 30, 2019). "The Common Ground of Law and Anarchism". Liverpool Law Review. 40 (1):. doi:10.1007/s10991-019-09223-1. hdl:10871/36939. ISSN 1572-8625.
- Shahnawaz Muhammad Khan, Muhammad Arif Khan, Safia A. Khan(June 2022): Power Transition and Global International Order: Global Foreign Policies Review V(II): DOI:10.31703/gfpr.2022(V-II).02
- Lai, D. (2011). THE POWER TRANSITION THEORY. In THE UNITED STATES AND CHINA IN POWER TRANSITION . Strategic Studies Institute, US Army War College. <http://www.jstor.org/stable/resrep12113.7>
- Tammen, R., Kugler, J., & Lemke, D. (2017, October 26). Foundations of Power Transition Theory. Oxford Research Encyclopedia of Politics. <https://oxfordre.com/politics/view/10.1093/acrefore/9780190228637.001.0001/acrefore-9780190228637-e-296>.
- Dashtgerd, M. and Moradi Afrapoli, I. (2021). The Model for Power Transition in China's Foreign Policy in the Era of Xi Jinping; With an Emphasis on Economy). International Studies Journal (ISJ), 18(3), doi: 10.22034/isj.2022.287680.1503
- Ko Unoki(January 2016): Realism and Power Transition in International Relations: In book: International Relations and the Origins of the Pacific War, DOI:10.1007/978-1-137-57202-8_2

امکان سنجی افول هژموری آمریکا در نظام بین المللی با سقوط دلار ناشی از فراوانی
تحریم های ثانویه با الهام گیری از قاعده فقهی تترس در فقه جزایی / موسوی فود

- Abbas, T., Kibria, G., Arif, M. H., & Ali, W. (2025). De-dollarization of the Global Economy: Implications for U.S. Hegemony. *Qlantic Journal of Social Sciences* , 6(1),. <https://doi.org/10.55737/qjss.vi-i.25259>
- Mosharrafa, R. A. (2024). Navigating the Tides of De-dollarization: Impact on Global Economy and BRICS Initiatives. *World Review of Political Economy*, 15(4),. <https://www.jstor.org/stable/48813221>
- van Niekerk (2025). A Challenge of Sustainability: The US Economy, De-dollarization and the BRICS Plan. In: *West to East: A New Global Economy in the Making?*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-93267-0_2
- Burke, J. J. (2024). De-Dollarization. *Academicus International Scientific Journal*, 15(30), <https://www.ceeol.com/search/article-detail?id=1251213>.
- Nikolić, G., Lobanova, J. Z., & Zvezdanović, M. (2024). Is de-dollarization inevitable?. *Kultura polisa*, 21(1), <https://www.ceeol.com/search/article-detail?id=1241442>.
- Li, Y. (2023). Trends, reasons and prospects of de-dollarization (No. 181). *Research Paper*. <https://hdl.handle.net/10419/278680>
- Mohamed hani, & Habib Badawi. (2025). Navigating the Shift: De-Dollarization, BRICS Strategies, and the Evolving Global Financial Architecture. *IJEP*, 8(01), Pages :. <https://doi.org/10.54241/2065-008-001-010>